



دفتر اول و دوم

♦ دفتر اول: سوگنامه‌های مادران شهید آذربایجان

♦ دفتر دوم: سوگنامه‌های عاشواری آذربایجان

www.ketab.ir

عنوان: اوخشامالار

مولف: عمار احمدی

آوانگاری: میهن کریمی

ویراستاران: سید سعید اطهر نیازی - کاظم نظری بقا

طرح جلد: مهیار سپهری

صفحه آرائی: محمد حسین جعفری

ناشر: ساوالان ایگیدلری

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۲۰۰۰

آدرس و تلفن: اردبیل، دانشگاه، شهرک اذری بیعت، جنب شرکت توزیع

برق، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان اردبیل

تلفن: ۷۴۴۲۰۰ / دورنویس: ۷۷۴۴۳۰

سرصفحه: احمدی، عمار - ۱۳۶۰

عنوان و نام پدیدآور: اوخشامالار: سنگ‌نقش‌های عاشقورایی و مادران شهید آذربایجان

دفتر اول و دوم: عمار احمدی

مشخصات نشر: اردبیل ساوالان ایگیدلری، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۲۶۰

۶۰۰۰ ریال شابک: 978-600-92760-6-0

وضعیت فهرست نویسی: خ

موضوع: شعر عامه ترکی - ایران

موضوع: شعر عامه ترکی - ایران

ترجمه شده به فارسی

رده‌بندی کنگره: ۸۲ ۱۳۹۰ الف ۳۶۱۲ / الف ۳۶۱۲ / الف ۳۶۱۲

رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۵۲-۷۷



شعبه خط و نشر
گوشه‌های ویژه مجلس
استان اردبیل

هر که در این بحر مقرب تر است
جام بلا بیشترش می دهند



تقدیم به دو مادر شهید همیشه جاوید آذربایجان:
سارای اسکندر زاده مادر شهید اسحاق احمدی
زلیخا صفری مادر شهید اسرافیل صادقی



پیش‌گفتار ❖ ۷

اؤن سۆز ❖ ۱۳

مقدمه ❖ ۲۳

دفتر اول اوخشامالار (سوگ‌نامه‌های مادران شهید) ❖ ۳۳

دفتر دوم اوخشامالار (سوگ‌نامه‌های عاشورایی) ❖ ۱۶۷

اصل و ریشه اوخشامالار عاشورایی و مادران شهید آذربایجان ❖ ۲۳۳

راهنمای نشانه‌های آوایی و خوانش متن ❖ ۲۶۶

پیش گفتار

چشم مادر بزرگ هر وقت به قاب عکس فرزند شهیدش می افتاد پر از اشک می شد. گریه می کرد و (بایاتی)^۱ می خواند:

باغلاردا اوزوم اولماز

قارا اوزوم آغ اولماز

جاوانی شهید اولان

اوره بینده یاغ اولماز

Bağlarda üzüm olmaz

Qara üzüm ağ olmaz

Cavani şehid olan

Ürəyində yağ olmaz

ترجمه:

در باغها انگوری نمی ماند

انگور سیاه، سفید نمی شود

کسی که جوانش شهید شده

در دلش اثری از شادی نمی ماند

۱- بایاتی (Bayati): گونه‌ای از شعر تغزلی مردم آذربایجان دارای ۷مجا و چهار مضراع که مضراع سوم آزاد و بقیه هم قافیه هستند. اندیشه‌ی اصلی در بیت دوم بیان می‌شود: ترانه‌ی تغزلی مردمی آذربایجان را که آهنگتهای محزون دارد. بایاتی می‌نامند. (فرهنگ شاهمرسی، ترکی - فارسی، انتشارات اختر تبریز، صفحه ۳۲۴)

داغلارین باشی لالا

لالانین باغری قارا

بالاسی شهید اولان

اورهیین آلا ر یارا

Dağların başı lala
Lalanın bağı qara
Balası şehid olan
Üreyin alar yara

ترجمه:

قله کوه‌ها پر از گل لاله است
لاله‌ای که دلش از غم سیاه رنگ است
مادری که فرزندش شهید شده است
دلش پر از زخم درد هجران می‌شود



این گونه بایاتی‌ها به جهت غم‌انگیز بودن و درون مایه غمگین داشتن اصطلاحاً به (اوخشاما)^۱ معروفند. مادر بزرگ، اوخشاما را در مایه‌ی دشتی همراه با نغمه‌های سوزناکش می‌خواند.

داغلارین باشی لالا... لالا... لالا

لالانین باغری قارا... قارا... قارا

بالاسی شهید اولان... آی ننه... آی ننه

اورهیین آلا ر یارا... یارا... یارا

۱- اوخشاما (Oxşama): مرثیه، نوحه، مویه. یکی از گونه‌های شعر شفاهی رایج بین آذربایجانی‌ها است. شبیه لالایی است و مادران برای نوازش کودکان، آن را می‌خوانند. (فرهنگ شاهمرسی، ترکی - فارسی، انتشارات اختر تبریز، صفحه ۲۰۷)

از سال‌های کودکی با این زمزمه‌ها و نغمه‌های غم‌انگیز زندگی کردم تا این که بعد از سال‌ها، مطالعه و تحقیق و نوشتن در زمینه‌ی ادبیات فولکلور (ادبیات شفاهی) آذربایجان به فکر افتادم تا در زمینه‌ی شعرهای غنی بایاتی (اوخشاما) تحقیق و پژوهش کنم. سراغ مادران شهید رفتم بعد از مصاحبه‌های مختلف با مادران و خواهران شهیدی که در شهر یا منطقه و یا روستای خود به اوخشاماخوانی مشهور بودند، آنها را گردآوری و تدوین و ترجمه کردم.

این بایاتی‌ها که اصطلاحاً به آن اوخشامالار می‌گویند، ریشه‌ای بس عمیق در تاریخ آذربایجان دارد. آنچه مهم است پرورش این اشعار غم‌انگیز در دل مادران راغ دیده است. به عبارتی مادر با برداشتن کلماتی مانند: گول (گل)، لالا (لاله)، ایکت (پهلوان و جوانمرد) و... و جایگزین کردن کلمه (شهید) و یا افزودن کلماتی مانند: (شهیدیم بالا لای لای) به آخر این ابیات آن را چنان هنرمندانه آرایش می‌کند که حتی وزن و هجای این ابیات که عموماً هفت هجایی هستند کوچک‌ترین ایرادی پیدا نمی‌کند.

اوجالاردا وورولان «منیم شهیدیم لای لای»

آلچاقلاردا سورولن «منیم شهیدیم لای لای»

آل قانی خارمان اولان «منیم شهیدیم لای لای»

خارمان قانی گول اولان «منیم شهیدیم لای لای»

Ucalarda vurulan «mənim şəhidim lay, lay»

Alçaqlarda sürülən «mənim şəhidim lay lay»

Al qanı xarman olan «mənim şəhidim lay lay»

Xarman qanı gül olan «mənim şəhidim lay lay»

ترجمه:

ای که در بلندی‌ها شهید شدی «لالایی ای شهید من»

تن پاکت در خاک کشیده شد «لالایی ای شهید من»

بدن آغشته به خونت خرمنی شد «لالایی ای شهید من»

خرمن خونت گل سرخ شد «لالایی ای شهید من»

ساوالان داغ اولایدی
 دؤوره سی باغ اولایدی
 کاش سن شهید اولاندا
 آناندا ساغ اولایدی

Savalan dağ olaydı
 Dövrəsi bağ olaydı
 Kaş sən şəhid olanda
 Anan da sağ olaydı

ترجمه:

کاش ساوالان تکه گاه تو بود
 کاش اطرافش پر از باغ های زیبا بود
 کاش هنگام شهادت تو
 مادرت زنده بود



این کتاب چون در زمینه ادبیات فولکلور و شفاهی مقاومت، نو و بدیع است از این جهت دارای ارزش خاصی است و این ارزش و اعتبار نه از تحقیق و نه از قلم حقیر است، بلکه این کتاب برخاسته از ادبیات بسیار کهن و غنی آذربایجان است که دل غم دیده مادران شهید، آن را چون مرواریدی پرورانده و از هزاره های تاریخ کهن تا تاریخ معاصر و حتی آینده حفظ و پاسداری کرده و خواهد کرد.

دفتر اول اوخشامالار که شامل بایاتی های مادران شهید آذربایجان می باشد با همکاری محققان، سرکارخانم زهرا آقازاده، سرکارخانم مریم عبدالله نژاد و سرکارخانم فرخنده ساده دل به پایان رسید. این دفتر در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات اختر تبریز با حمایت مالی اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان اردبیل به چاپ رسید. از زمان چاپ

تاکنون دوستان و اساتید زیادی نقاط قوت و نقاط ضعف کتاب اوخشامالار را برایم گوش زد کرده‌اند.

وقتی که دفتر اول کتاب اوخشامالار کتاب برگزیده دفاع مقدس سال ۱۳۸۹ جمهوری اسلامی ایران شد، افراد بیشتری این کتاب را مطالعه و نظراتشان را بیان کردند. از جمله‌ی این افراد استاد دکتر جابر عناصری و استاد علی رضا کمری که حاشیه‌ای هم بر دفتر اول اوخشامالار نوشته بودند و استاد محمدرضا سنگری که هر سه بزرگوار از اساتید برجسته کشور به حساب می‌آیند.

بنده تا حد امکان تلاش کردم نقاط ضعف دفتر اول را رفع کنم. بعد از چندین بار مطالعه‌ی دقیق و تفکر عمیق در متن کتاب تصمیم گرفتم تحقیقات خود را در این حوزه گسترش دهم. بعد از جمع‌آوری اشعار از بین مادران شهید تصمیم به گردآوری اوخشاما‌های عاشورایی که نزدیکی زیادی با اوخشاما‌های مادران شهید داشت گرفتم. برای تکمیل این تحقیق محضر شاعران و مدیحه‌سرایان بزرگ آذربایجان رسیدم. اغلب دیوان‌های شعر عاشورایی شاعران ترکی زبان آذربایجان را مطالعه و اشعاری را که ریشه در ادبیات فولکلوریک آذربایجان داشت انتخاب کردم. بعد از تحقیق فراوان به جرأت می‌توانم بگویم اغلب این اوخشاماها که در دیوان شاعران بزرگ آذربایجان یافت می‌شود، سروده‌ی خود شاعران نیست بلکه اصل و ریشه‌ی این ابیات سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر رسیده و در دیوان‌های شاعران مختلف و برخی هم به صورت شفاهی در سینه‌ی بزرگان نقش بسته است.

با توکل به خداوند بلند مرتبه، دفتر دوم اوخشامالار را که شامل اوخشاما‌های مادران شهید آذربایجان و اوخشاما‌های عاشورایی آذربایجان

و اصل و ریشه‌ی این اوخشاماها است شروع کردم. بعد از اتمام تحقیق و گردآوری، ترجمه و توضیح ابیات را شروع و به پایان رساندم. امیدوارم این بار هم خوانندگان عزیز و فهیم با پیشنهادها و انتقاداتشان مرا در بهتر ارایه کردن اثری ماندگار راهنمایی و ارشاد کنند.

در آخر وظیفه‌ی خود می‌دانم از تمام کسانی که مرا در این امر خطیر راهنمایی و مساعدت کردند از جمله خواهر فرهیخته و هنرمندم سرکارخانم مهین کریمی و دوستان ارجمندم جناب آقای کاظم نظری بقا و سید سعید اطهر نیاری تقدیر و تشکر نمایم.

عمار احمدی

زمستان سال ۱۳۹۰



اؤن سۆز

آذربایجان بایاتیلاری، اولدوقجا زنگین، دولتمون مابئله معنا باخیمیندان ائلل ادبیاتی نین گوجلو قوللاریندان بیرری و داها اؤنملیسی دیر، ماهنیلار، نغمه لر، اوخشاملار، آغیلار، یانیماجالار، تاپماجالار، لایلار، عزیزله مه لر، عمومیتله ۷ هنجالی بایاتی ترکیبده، آغیزدان آغیزا، ائلدن ائله گزرکن شفاهی ادبیاتیمیزی قورو یوب، ساخلا ییبدیر، آتالار سۆزو، عاشیق ادبیاتی، ناغیللار، افسانه لر، تاپماجالار و ... آذربایجان فولکلورونون شاخه لریندن ساییلیرلار، بونلارین و آیری نوعلارین بیر نچه سینه نمونه اولاراق مثاللار گتیره ک:

لايلالار

لاي لاي بشيگيم لاي لاي

انويم انشيگيم لاي لاي

من گئت شيرين يوخويا

چيگيم کنشيگين لاي لاي

لاي لاي دئيم باتاسان

قيزيل گوله باتاسان

قيزيل گولون ايپينده

شيرين يوخو باتاسان

اوخشاملار

بالام منيم گولومدور

گولومدور، بولبولومدور

اؤلسه آنالار اؤلسون

بالا اؤلسه ظولومدور

بالام نه واخت ايتمكلر

بالام نه واخت ديل آنلار

بالام نه واخت ائگيزلر

بالام نه واخت ديرچهلر

بالاما قوربان اينكلر

بالاما قوربان ايلانلار

بالاما قوربان اؤكوزلر

بالاما قوربان سترچهلر

